



کودکان عکاسان خوبی هستند!

در کودکان حالتی است که روان شناسان علوم تربیتی آن را «نقش پذیر» نام نهاده اند.

خبرگزاری مهر- در کودکان حالتی است که روان شناسان علوم تربیتی آن را «نقش پذیر» نام نهاده اند. این حالت جزء سرشت کودک است و کودک از همان آغاز آماده عکس برداری از رفتار پدر و مادر و دیگران است.

شخصیت انسان

هر فردی از نظر روحی و جسمی دارای دو نوع سرمایه است: اول سرمایه ای است که نه راه وراثت در اختیارش قرار داده می شود و او از پذیرش آن چاره ای ندارد. دوم اندوخته ای است که با تلاش و کوشش و بهره مندی از زمینه ارثی فراهم می آورد و شخصیت او نیز وابسته به همین دو حیثیت ارثی و اکتسابی می باشد.

روان شناسان معتقدند آنچه که به عنوان صفات ارثی خواه جسمی یا روحی به کودکان می رسد، زمینه هایی بیش نمی باشد و ثبات و قطعیتی در آنها دیده نمی شود به عنوان مثال اگر پدری از نظر بدنی چاق بوده و از لحاظ روحی هیجانی و تندخو باشد این دو خصوصیت جسمی و روحی در قالب زمینه ساده ای به کودکانشان انتقال می یابد بدیهی است اگر محیط تربیتی مساعد و مناسب با پرورش این زمینه ها باشد آنها رشد می کنند و در غیر اینصورت از رشد آنها جلوگیری به عمل می آید.

با توجه به این مقدمه به خوبی می توان به حساسیت نقش نهادهای تربیتی اعم از خانه و مدرسه و اجتماع پی برد و فهمید که یادگیری های کودکان تا چه حدودی در سعادت و خوشبختی آنان موثر می باشد.

اولین نهاد تربیتی

اولین مدرسه ای که کودک در آن پرورش می یابد محیط خانه است، همان جایی که کودک در آنجا متولد شده در دامان پرمهر و محبت مادر و مراقبت پدر به تدریج به یادگیری های خود می پردازد. در اهمیت خانه همین بس که پایه های اولیه یادگیری در آنجا انجام می گیرد و براساس همین یادگیری ها زیربنای شخصیت کودک ریخته می شود.

بنابراین سازندگان اولیه کودک پدر و مادر هستند و به عبارت دیگر کودک که امانت الهی بوده و از هر عیب و نقصی برکنار است و با آمادگی فطری می تواند هر نوع کمالی را در خود بپذیرد برای اولین بار در اختیار مادر و پدر قرار می گیرد تا به کمک آنان پرورش داده شود.

اگر بخواهیم کودکان ما شکل فطری خود را از دست ندهند باید از همان آغاز تولد تا موقعی که یک انسان کامل گردند مراقبتشان نماییم.

همانطور که مادر بهترین مربی است پدر نیز بهترین آموزگار است و باید این دو در تقسیم وظایف خود و طرز اجرای برنامه تربیتی با هم توافق حاصل نمایند. کمترین مسامحه و سهل انگاری و یا عدم حصول توافق موجب تباهی سرنوشت کودک خواهد بود.

بنابراین پدران و مادران علاوه بر دلسوزی و راهنمایی کودکان باید تا حدودی به اصول اساسی تعلیم و تربیت آشنایی داشته باشند تا بتوانند از عهده مسئولیت خطیر فرزندان خود به خوبی برآیند و آگاه باشند که تنها با دلسوزی نمی توان سعادت آینده کودکان را پی ریزی کرد.

نقش پذیری کودکان

در کودکان حالتی است که روان شناسان علوم تربیتی آن را «نقش پذیر» نام نهاده اند. این حالت جزء سرشت کودک است یعنی او ذاتا طوری آفریده شده است که از همان آغاز کودکی آماده عکس برداری بوده از رفتار پدر و مادر و دیگران دائما عکس می گیرد. حس تقلید از همان دوران فردی در کودکان آشکار می گردد.

به عنوان مثال: اگر در اتفاقی که چند کودک را پهلوی هم گذاشته باشند اگر یکی از آنها گریه سردهد بقیه بچه‌ها هم به گریه می‌افتند با این حساب تقلید برای کودک یک امر طبیعی است، از این رو یک عامل نیرومند تربیتی به شمار می‌آید و چون با ضمیر ناخودآگاه او سروکار دارد خواه ناخواه او را به دنبال روی از رفتار و اعمال بزرگترها و می‌داد.

پسران بیشتر از پدر و دختران نوعاً از مادرشان تقلید می‌کنند پدران و مادران نباید کودکان را به خاطر کارهایی که بر اثر حس تقلید انجام می‌دهند محکوم کنند چون این کار مبارزه با فطرت کودک است به جای توبیخ باید از رفتار و کردار خود مراقبت به عمل آورند تا کودکان از کارهای بدآموز آنان تقلید نمایند.

بنابراین پدران و مادران به جای آنکه بخواهند فرزندان خود را تربیت نمایند باید بکوشند خود را اصلاح نمایند و خویشتر را از انحرافات اخلاقی برکنار دارند. بدیهی است کودکانی که در چنین محیطی تربیت می‌شوند به طور غیرمستقیم کمالات پدر و مادر را اقتباس کرده به نیکی و صلاح گرایش پیدا خواهند کرد و حاصل آنکه تربیت غیرمستقیم سریعتر و کاملتر کودکان را پرورش می‌دهد.

بدآموزی های خانه

کودکان امانت الهی است و براساس فطرت، پاک و پاکیزه است روی این اصل اگر در رفتارشان نواقصی مشاهده شود به طور قطع مربیان خانه ناخودآگاه آنها را در صفحه ضمیر کودک ترسیم نموده اند پدران و مادران در مواردی بدون اینکه خود توجه داشته باشند بدآموزی هایی را به کودکان خود تحمیل می‌نمایند باید دقت و مراقبت کامل شود تا محیط تربیتی خانه از هر نوع بدآموزی برکنار باشد.

دروغگویی کودکان

دروغگویی کودکان ناشی از اشتباهات مربیان و معلمان است آنان به جای اینکه کمالات ذاتی کودکان را پرورش دهند با برنامه های غلط و غیر صحیح خود دروغ گفتن را به آنان می‌آموزند.

مثلاً: بسیاری از کودکان بر اثر مجازات های سخت بزرگترها به دروغ پناهنده می‌شوند گاهی دروغگویی کودک فقط یک نوع تقلید به شمار می‌آید. یعنی کوچکترین غفلت بزرگترها در ادای امانت با احترام به حق و مال دیگران که در محیط خانه بروز کند سرمشقی برای کودک می‌شود او هم به نوبه خود اخلاقی را زیرپا می‌گذارد. بنابراین باید در خانواده ها محیط مساعدی برای پرورش امانت داری و درستکاری و راستگویی پدید آورد تا کودک به دروغ و خلافتکاری آشنایی پیدا نکند.

پدران و مادران به جای پند و اندرز و زیاده روی در این کار باید بکوشند به وسیله رفتار نیکو و ارزنده به طور غیرمستقیم کودکان خود را به خوبی و درستکاری سوق دهند و از ابراز هرگونه عمل خلافی خودداری نمایند تا فرزندان شان از آنها اقتباس نمایند.

و به عبارتی: ذات نیافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

پدران و مادرانی که خود فاقد کمالات انسانی هستند چگونه می‌توانند کودکان خود را به نیکی و صلاح راهنمایی و دعوت نمایند.